

بررسی رابطه سبک‌های حل مسئله و تمایل به کارآفرینی دانشجویان (مطالعه موردی: دانشجویان کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه زابل)

عبدالرحیم غیاثی^{۱*}

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه زابل

تاریخ دریافت: ۹۳/۸/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۴/۵/۳

چکیده

تمایل به کارآفرینی یکی از پیش شرط‌های اصلی توسعه کارآفرینی محسوب می‌شود و متأثر از عوامل گوناگون روان‌شناختی است. براین اساس، هدف مطالعه حاضر بررسی رابطه سبک‌های حل مسئله به‌عنوان یکی از متغیرهای مهم روان‌شناختی با تمایل به کارآفرینی است. این تحقیق برحسب هدف از نوع تحقیقات کاربردی و به‌لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها از نوع تحقیقات توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری تحقیق، دانشجویان دانشکده‌های کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه زابل در سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۳ هستند ($N=3000$). حجم نمونه آماری با استفاده از فرمول کوکران ۲۱۰ نفر انتخاب شد و نمونه موردنظر با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی با انتساب متناسب تعیین شد. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه‌های استاندارد استفاده شد. روایی ابزار اندازه‌گیری بر پایه نظر تعدادی از اعضای هیئت علمی ترویج و آموزش کشاورزی و صاحب‌نظران مربوط تأیید شد. پایایی پرسشنامه‌های سبک‌های حل مسئله و تمایل به کارآفرینی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۷۴ و ۰/۸۳ به‌دست آمد. نتایج تحقیق بیانگر آن بود که بیشتر پاسخگویان مورد مطالعه از نظر میزان تمایل به کارآفرینی در سطح تقریباً مطلوبی قرار دارند. همچنین، یافته‌های تحقیق نشان دادند سبک‌های حل مسئله و تمایل به کارآفرینی دانشجویان رابطه معنی‌داری با هم دارند. تحلیل رگرسیون چندمتغیره نیز نشان داد سبک‌های حل مسئله اخلاقی، اعتماد، گرایش و درماندگی می‌توانند ۳۳ درصد از تغییرات تمایل به کارآفرینی دانشجویان را تبیین کنند.

واژه‌های کلیدی: تمایل به کارآفرینی، دانشجویان کشاورزی و منابع طبیعی، سبک‌های حل مسئله، کارآفرینی.

مقدمه

نگرانی در زمینه اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی یکی از مسائلی است که موجب شده است محققان به مباحث مربوط به کارآفرینی دامن بزنند و به آن توجه کنند (شکرکن و همکاران، ۱۳۸۱: ۲). علاوه بر این، بیکاری حدود ۲۵ تا ۵۲ درصدی فارغ‌التحصیلان کشاورزی و منابع طبیعی نیز موجب بی‌استفاده باقی ماندن سرمایه‌گذاری‌های انجام گرفته برای تربیت نیروی انسانی ماهر در این زمینه شده است (شریف‌زاده و زمانی، ۱۳۸۵: ۱۰۷)؛ به این دلیل صاحب‌نظران، توسعه کارآفرینی را راهکاری اثربخش برای حل این معضلات می‌دانند (قاسمی و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۱؛ بادسار و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۰۸).

برخی از صاحب‌نظران، علاوه بر حل معضل اشتغال و استفاده از سرمایه‌گذاری‌ها، رشد و توسعه اقتصادی را نیز از مزایای توسعه کارآفرینی می‌شمارند و معتقدند ابتکارها منبع اصلی ایجاد شغل و رشد و توسعه اقتصادی در جامعه جهانی است (Baum et al., 2007: xiii).

با توجه به اینکه به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین مأموریت‌های جدید دانشگاه‌ها، ایجاد و توسعه کارآفرینی در میان دانش‌آموختگان دانشگاهی است (یداللهی فارسی، ۱۳۸۴: ۹۳؛ مردانشاهی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۵۶)، تحقق این امر مستلزم مطالعه دقیق جنبه‌های گوناگون کارآفرینی و همچنین شناسایی و توجه به عوامل مؤثر بر آن مانند عوامل روان‌شناختی و غیر روان‌شناختی است. در سال‌های اخیر، توجه به جنبه‌های روان‌شناختی کارآفرینی مانند تمایل به کارآفرینی و همچنین مشخصه‌های روان‌شناختی مؤثر بر کارآفرینی مانند سبک‌های حل مسئله از سوی محققان مختلف تأکید شده است که در مطالعه حاضر رابطه این متغیرها بررسی می‌شود.

در اهمیت حل مسئله باید اشاره کرد اکنون به دلیل پیچیدگی‌های شروع یک کسب‌وکار و اهمیت حفظ آن، افراد برای موفقیت به توانایی‌های لازم در زمینه حل مسئله نیاز دارند؛ بنابراین، از این نظر است که حل مسئله اثربخش، پایه‌ای برای توسعه ایده‌ها و انتخاب بهترین آن‌ها برای شروعی موفق شناخته می‌شود (پارسا و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴۶). همچنین، کمکی که حل مسئله ممکن است به فرد هنگام مواجهه با تنش‌های شغلی و حرفه‌ای کند، از نظر محققان یکی از مهم‌ترین مهارت‌های زندگی شناخته می‌شود. حال، اگر حرفه انتخابی فرد فعالیت‌های کارآفرینانه باشد، اهمیت حل مسئله و سبک‌های حل مسئله دوچندان می‌شود، با توجه به اینکه

سبک‌های حل مسئله افراد هنگام برنامه‌ریزی و خلق یک فعل و ایده و همچنین نحوه آمادگی آن‌ها برای انجام دادن یک رفتار تفاوت دارد (Treffinger et al., 2008: 393)؛ بنابراین، به نظر می‌رسد سبک‌های ترجیحی افراد هنگام مواجهه با مسئله موجب می‌شود نوعی از سبک زندگی مبتنی بر خلاقیت یا استیصال را به کار بگیرند (آقایوسفی و شریف، ۱۳۹۰: ۷۹).

برخلاف اهمیت مسئله، مرور ادبیات تحقیق نشان می‌دهد در زمینه بررسی رابطه بین سبک‌های حل مسئله با تمایل به کارآفرینی، مطالعه‌ای به‌ویژه در زمینه کشاورزی و منابع طبیعی در سطح آموزش عالی انجام نگرفته است؛ بنابراین، هدف این تحقیق بررسی رابطه سبک‌های حل مسئله و تمایل به کارآفرینی دانشجویان کشاورزی و منابع طبیعی است.

مروری بر ادبیات و پیشینه تحقیق

تمایل به کارآفرینی

تمایل به کارآفرینی را باید میلی تعریف کرد که در افراد برای بروز رفتار کارآفرینی وجود دارد؛ مانند به‌وجودآوردن و شناخت فرصت‌ها و استفاده از روش‌های نوین (Waight, 2006: 12). همچنین، موریس و کوراتکو (۲۰۰۲) به نقل از کوراتکو (۲۰۱۰) بیان می‌کنند تمایل به کارآفرینی اشاره به تمایل یک فرد یا سازمان برای پذیرفتن و استفاده از فرصت‌های جدید و همچنین مسئولیت‌پذیری برای ایجاد تغییری خلاقانه دارد.

ون پراگ (۲۰۰۵) در اهمیت تمایل به کارآفرینی بیان می‌کند جمع تمایل و فرصت برای کارآفرینی کفایت می‌کند؛ یعنی افراد زمانی کارآفرین می‌شوند که اولاً به آن تمایل داشته باشند و ثانیاً فرصت انجام دادن آن را نیز داشته باشند. وی معتقد است اگر افراد تمایل کافی نداشته باشند، قطعاً کارآفرین نمی‌شود (همان: ۳۷). کوراتکو (۲۰۱۰) نیز اشاره می‌کند تمایل به کارآفرینی یکی از دو عنصر اصلی کارآفرینی (عنصر دیگر رفتار کارآفرینی) است. به‌زعم موریانو و گورگی‌وسکی (۲۰۰۷) نیز تمایل به کارآفرینی از آن جهت اهمیت دارد که پیش‌بینی‌کننده و عاملی مؤثر بر رفتار کارآفرینی است.

نکته‌ای که در اینجا اهمیت دارد آن است که طبق نتایج تحقیقات انجام گرفته مانند مطالعات بارانی و همکاران (۱۳۹۱)، اکبری و همکاران (۱۳۹۱) و علی‌پور (۱۳۹۱) میزان تمایل

به کارآفرینی دانشجویان کشاورزی و منابع طبیعی مطلوب نیست. با توجه به اهمیت این موضوع، اهتمام پژوهش حاضر از یک سو شناسایی میزان تمایل به کارآفرینی دانشجویان کشاورزی و منابع طبیعی و از سوی دیگر بررسی رابطه آن با سبک‌های حل مسئله افراد است.

سبک‌های حل مسئله

حل مسئله به فرایندی شناختی و رفتار ابتکاری فرد اطلاق می‌شود که فرد از طریق آن می‌خواهد راهبردهای مؤثر و سازش‌یافته مقابله‌ای خود را در مقابل مشکلات روزمره تعیین، کشف یا ابداع کند (آقایوسفی و شریف، ۱۳۹۰: ۷۹). همچنین، حل مسئله، تفکر و رفتار فرد برای تضمین رسیدن به پیامدهای مطلوبی است که جست‌وجو می‌کند (Treffinger et al., 2008: 390; Isaksen & Aerts, 2011: 8).

گرین (۲۰۰۸) معتقد است یک کارآفرین هر روز با تصمیم‌سازی و مسئله روبه‌رو است؛ بنابراین، کارآفرینان برتر از الگوهای سازمان‌یافته حل مسئله برای جمع‌آوری اطلاعات و ارزشیابی انتخاب‌های مختلف خود استفاده می‌کنند.

تاکنون درباره سبک‌های حل مسئله مطالعات زیادی انجام گرفته است و چندین الگو در این‌باره شکل گرفته است. یکی از الگوهایی که مورد تأیید بسیاری از صاحب‌نظران است، الگوی شش مؤلفه‌ای کسیدی و لانگ (۱۹۹۶) است. کسیدی و لانگ (۱۹۹۶) شش سبک حل مسئله درماندگی، مهارگری، اجتناب، خلاقانه، اعتماد و گرایش را معرفی کردند (Cassidy & Taylor, 2005: 254; Cassidy & Dhillon, 1997: 220) که در جدول ۱ معرفی می‌شوند. سه سبک نخست هیجان‌مدار و غیرسازنده و سه سبک دیگر مسئله‌مدار و سازنده‌اند (آقایوسفی و شریف، ۱۳۹۰: ۸۰؛ زارعان و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۶۷).

جدول ۱. مؤلفه‌های سبک‌های حل مسئله

تعاریف	سبک‌های حل مسئله
این سبک بی‌یاوری فرد را در موقعیت‌های مسئله‌زا بیان می‌کند (آقایوسفی و شریف، ۱۳۹۰: ۸۰؛ Gholami & Bagheri, 2013: 702). انفعال و کنش پذیری از ویژگی‌های افرادی است که از این سبک حل مسئله استفاده می‌کنند (Gregory, 2010: 87).	درماندگی
این سبک حل مسئله به تأثیر کنترل‌کننده‌های بیرونی و درونی در موقعیت مسئله‌زا اشاره دارد (آقایوسفی و شریف، ۱۳۹۰: ۸۰؛ Ghanbari Hashem Abadi et al., 2011: 308). افرادی که از این سبک استفاده می‌کنند؛ به دلیل اینکه عقیده دارند کنترل شخصی یا درونی لازم برای غلبه بر مشکلات ندارند، هیچ فعلی را انجام نمی‌دهند (Gregory, 2010: 87).	مهار گری
این سبک گویای تمایل به نادیده‌گرفتن و به زمان دیگری موکول کردن مشکلات به‌جای مقابله با آن‌هاست (Cassidy & Long, 1996: 269; Baker, 2003: 574).	اجتناب
سبک حل مسئله خلاقانه، برنامه‌ریزی و در نظر گرفتن راه‌حل‌های متنوع برحسب موقعیت مسئله‌زا را نشان می‌دهد (Cassidy & Long, 1996: 269).	خلاقیت
این سبک بیانگر باور و اعتقاد به توانایی خود برای حل مشکلات است (Gregory, 2010: 87; Cassidy & Long, 1996: 269).	اعتماد
سبک گرایش، نگرش مثبت به مشکلات و تمایل به مقابله رودررو را با آن‌ها نشان می‌دهد (Cassidy & Long, 1996: 269; Baker, 2003: 574).	گرایش

سبک‌های هیجان‌مدار

سبک‌های مسئله‌مدار

تمایل به کارآفرینی و سبک‌های حل مسئله

یک کارآفرین برای برعهده گرفتن کسب و کار دارای ریسک با مسائل و مشکلات کوچک و بزرگ بسیاری روبه‌رو می‌شود که نیاز دارد راه‌حلی برای همه آن‌ها ارائه کند (Samli, 2008: 81). براین اساس، به نظر می‌رسد توانایی حل مسئله نقشی مهم در کارآفرینی افراد داشته باشد. همچنین، با توجه به اینکه کارآفرینی و تمایل به آن امری پیچیده است (Waight, 2006: 15; Landström & Lohrke, 2010: 20)، می‌توان دریافت مسائل بسیاری مانند مسائل روان‌شناختی و جامعه‌شناختی بر آن مؤثر است.

یکی از خصوصیات روان‌شناختی افراد، سبک و شیوه آن‌ها برای مقابله با مسائل پیچیده و

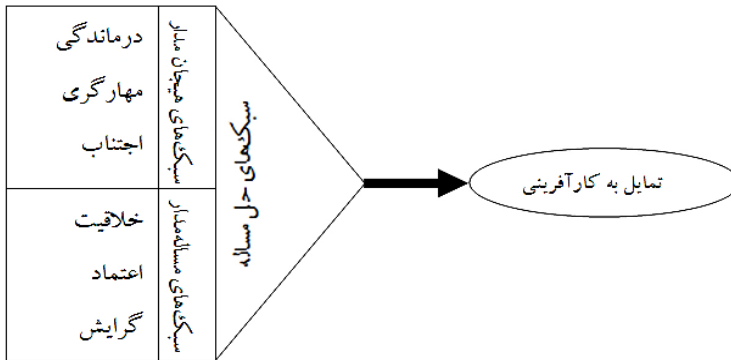
مشکلات است، به طوری که برخی افراد از سبک‌ها و شیوه‌های حل مسئله سازنده و برخی از سبک‌های حل مسئله هیجانی و غیر سازنده استفاده می‌کنند. ادبیات کارآفرینی تأکید دارد یکی از ویژگی‌های مهم کارآفرینان خلاقیت است و خلاقیت ترکیبی از تناسب و تازگی یا حل مسئله به روش جدید است که مردم را توانمند می‌کند تا از عهده چالش‌ها و مشکلات محیط‌ها برآیند (Berglund & wennberg, 2006: 368). همچنین، نتایج تحقیقات بیان می‌کنند پیوند بین خلاقیت و مهارت‌های حل مسئله بسیار قوی است (Oviawe, 2010: 116; Torr, 2011: 43)؛ بنابراین، می‌توان بیان کرد حل مسئله پیش‌نیازی برای کارآفرینی است.

مطالعه پارسا و همکاران (۱۳۹۰) نشان می‌دهد برخی از سبک‌های حل مسئله می‌توانند ویژگی‌های کارآفرینانه دانشجویان را پیش‌بینی کنند. همچنین، مطالعات کیکول و همکاران (۲۰۱۰) نشان می‌دهد بین برخی از سبک‌های حل مسئله و نیت کارآفرینی افراد رابطه وجود دارد. مطالعه حسین‌زاده و وثوقی (۱۳۹۱) نیز بیان می‌کند رابطه معنی‌داری بین برخی از سبک‌های حل مسئله با رفتار نوآورانه و کارآفرینی سازمانی وجود دارد. مطالعه تعویقی و همکاران (۱۳۹۲) نیز بیانگر آن است که آموزش مهارت‌های حل مسئله قدرت تحمل ابهام را در دانشجویان افزایش می‌دهد. تحمل ابهام یکی از مهم‌ترین زیربناهای شخصیتی است که فرد را توانمند می‌کند تا بتواند در شرایط مبهم و پیش‌بینی نشده از عهده مسائل و مشکلات برآید.

چارچوب مفهومی تحقیق

با توجه به پیشینه تحقیق و الگوی شش مؤلفه‌ای کسیدی و لانگ (۱۹۹۶)، چارچوب مفهومی زیر برای این پژوهش ارائه شد. شکل ۱ نشان می‌دهد سبک‌های حل مسئله پیشگوکننده‌های تمایل به کارآفرینی هستند.

در شکل مذکور، سبک‌های حل مسئله به دو گروه سبک‌های حل مسئله هیجان‌مدار و مسئله‌مدار طبقه‌بندی می‌شود که هر یک، سه سبک حل مسئله را دربرمی‌گیرد.



شکل ۱. چارچوب مفهومی تحقیق

بر اساس مدل مفهومی پژوهش، فرضیه اصلی تحقیق این بود:
سبک‌های حل مسئله و تمایل به کارآفرینی دانشجویان کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه
زابل رابطه معنی داری با هم دارند.

روش‌شناسی

این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی-همبستگی است و در سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۳ در دانشکده‌های کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه زابل انجام گرفت ($N=3000$). حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۱۸۴ نفر برآورد شد که برای دقت بیشتر به ۲۱۰ نفر افزایش یافت. نحوه محاسبه به این شرح است:

$$n = \frac{N (t.S)^2}{Nd^2 + (t.S)^2} = \frac{3000(1/96 \times 10/72)^2}{3000 \times 1/5^2 + (1/96 \times 10/72)^2} = 184 \quad (1)$$

که در آن N حجم جامعه آماری، n مقدار نمونه مورد برداشت، S انحراف معیار متغیر وابسته و d دقت احتمالی مطلوب است. در تحقیق حاضر، برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی با انتساب متناسب استفاده شد.

ابزار پژوهش دو پرسشنامه استاندارد سبک‌های حل مسئله کسیدی و لانگ (۱۹۹۶) و پرسشنامه تمایل به کارآفرینی بود.

پرسشنامه تمایل به کارآفرینی بیست گویه داشت که گویه‌های مذکور از مطالعات علی‌پور (۱۳۹۱) و بارانی و همکاران (۱۳۸۸) استخراج شد و با مقیاس لیکرت از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق به ترتیب از یک تا پنج نمره گذاری شد.

پرسشنامه سبک‌های حل مسئله توسط کسیدی و لانگ (۱۹۹۶) طراحی شد و ۲۴ گویه دوزینه‌ای (بلی/خیر) دارد (عدالتی شاطری و همکاران، ۱۳۸۸: ۹۴). پاسخگویان با انتخاب گزینه‌های بلی یا خیر به ترتیب امتیاز ۲ یا ۱ را کسب می‌کنند. براین اساس، هر فرد در هریک از مؤلفه‌ها نمره‌ای بین ۴-۸ و در هریک از سبک‌های حل مسئله مسئله‌مدار و هیجان‌مدار نمره‌ای بین ۱۲-۲۴ کسب می‌کند. کسب امتیاز بالا بیانگر آن است که فرد از آن بعد بهره بیشتری می‌برد و در آن کارآمدتر است (Cassidy, 2002: 327; Wright et al., 2006: 169)؛ به عبارت دیگر، کسب امتیاز بالا بیانگر آن است که شخص سبکی از حل مسئله را دارد که در هنگام مواجهه با مسئله کمتر دچار احساس بی‌یاوری می‌شود و تمایل کمتری به اجتناب از حل مسئله دارد. همچنین، احساس کنترل بیشتر بر مسئله، اعتماد بیشتر در حل مسئله، خلاقیت بیشتر و گرایش بیشتری به حل مسئله دارد (Cassidy, 2009: 67).

روایی صوری و محتوایی بخش‌های مختلف ابزار اندازه‌گیری توسط تعدادی از اعضای هیئت علمی ترویج و آموزش کشاورزی و صاحب‌نظران تأیید شد. پایایی پرسشنامه سبک‌های حل مسئله در مطالعات باباپور خیرالدین و همکاران (۱۳۸۲) و همچنین آقاییوسفی و شریف (۱۳۹۰) به ترتیب ۰/۷۷ و ۰/۷۴ به دست آمد. برای تأیید پایایی پرسش‌نامه، یک بررسی پیش‌آهنگ با استفاده از سی نفر از دانشجویان بیرون از نمونه مورد بررسی انجام گرفت که ضریب آلفای کرونباخ برای پرسشنامه‌های تمایل به کارآفرینی و سبک‌های حل مسئله به ترتیب ۰/۸۳ و ۰/۷۴ به دست آمد. اعتبار هریک از مؤلفه‌های پرسشنامه سبک‌های حل مسئله نیز این‌گونه محاسبه شد: درماندگی (۰/۷۳)، مهارگری (۰/۷۱)، اجتناب (۰/۶۹)، خلاقیت (۰/۷۲)، اعتماد (۰/۷۱)، گرایش (۰/۷۳).

برای سنجش میزان تمایل به کارآفرینی دانشجویان و گروه‌بندی آن‌ها برحسب سطوح پایین (نامطلوب)، متوسط (نسبتاً مطلوب) و بالا (مطلوب) از تفاوت انحراف معیار از میانگین ISDM به صورت زیر استفاده شد (Gangadharappa et al., 2007: 299): پایین (نامطلوب)

$$A < \text{Mean} - \frac{1}{4} \text{Sd}; \text{متوسط (نسبتاً مطلوب)}: \text{Mean} - \frac{1}{4} \text{Sd} \leq B \leq \text{Mean} + \frac{1}{4} \text{Sd}; \text{بالا (مطلوب)}: \\ C > \text{Mean} + \frac{1}{4} \text{Sd}$$

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی مانند فراوانی، درصد، میانگین، ضریب تغییرات، آزمون‌های همبستگی و تحلیل رگرسیون استفاده شد.

یافته‌ها

توصیف جمعیت شناختی

نتایج تجزیه و تحلیل یافته‌ها نشان داد ۷۵/۷ درصد از پاسخگویان در مقطع تحصیلی کارشناسی و ۲۴/۳ درصد در مقطع تحصیلات تکمیلی به تحصیل مشغول‌اند. چهار نفر نیز مقطع تحصیلی خود را مشخص نکرده بودند. از نظر جنس، ۱۰۲ نفر (۴۸/۶ درصد) از پاسخگویان مرد و ۱۰۲ نفر (۴۸/۶ درصد) زن بودند. شش نفر نیز پاسخ ندادند. از نظر زمینه تحصیلی ۱۵۳ نفر (۷۲/۹ درصد) از پاسخگویان دانشجوی رشته‌های کشاورزی و ۴۳ نفر (۲۰/۵ درصد) دانشجوی رشته‌های مختلف منابع طبیعی بودند. چهارده نفر (۶/۷ درصد) نیز پاسخ ندادند.

جدول ۲ میانگین و انحراف معیار نمره‌های شش سبک حل مسئله را در دانشجویان مورد مطالعه نشان می‌دهد. همان‌گونه که در جدول مذکور قابل مشاهده است، میانگین سبک حل مسئله گرایش و خلاقیت به ترتیب بالاترین و سبک حل مسئله درماندگی پایین‌ترین است. براین اساس، می‌توان گفت بیشتر دانشجویان کشاورزی و منابع طبیعی داشتن نگرشی مثبت به مشکلات را ارجح می‌دانند و مایل‌اند به مقابله رودررو با مشکلات بپردازند. در مجموع نیز، بیشتر دانشجویان مورد مطالعه ترجیح می‌دهند از سبک‌های حل مسئله مدار (سازنده) استفاده کنند.

جدول ۲. میانگین و انحراف معیار سبک‌های حل مسئله

متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداقل و حداکثر نمره قابل کسب
سبک درماندگی	۵/۳۰	۱/۲۸	۴-۸
سبک مهارگری	۵/۵۷	۱/۱۱	۴-۸
سبک خلاقیت	۷/۰۰	۱/۰۹	۴-۸
سبک اعتماد	۶/۴۵	۱/۱۴	۴-۸
سبک اجتناب	۶/۱۴	۱/۰۸	۴-۸
سبک گرایش	۷/۰۸	۱/۰۳	۴-۸
هیجان‌مدار	۱۷/۰۱	۲/۴۱	۱۲-۲۴
مسئله‌مدار	۲۰/۵۳	۲/۴۷	۱۲-۲۴

جدول ۳ میزان تمایل دانشجویان کشاورزی و منابع طبیعی را به کارآفرینی نشان می‌دهد. میانگین کلی ۳/۵۶ از ۵ بیانگر آن است که تمایل به کارآفرینی بیشتر دانشجویان مورد مطالعه نسبتاً مطلوب است.

در جدول مذکور، گویه‌ها براساس ضریب تغییرات (C.V) رتبه‌بندی شده‌اند. میانگین ۴/۳۹ از ۵ در گویه «شروع یک کسب و کار در صورت وجود فرصت و منابع» بیان می‌کند در این گویه، دانشجویان مورد مطالعه بیشترین توافق را داشتند. به این ترتیب، میانگین ۲/۹۰ در گویه «آگاهی از همه جزئیات فنی راه‌اندازی یک کسب و کار» و ۲/۴۶ در گویه «حاضر نبودن برای انجام دادن هر کاری به غیر از کارآفرینی» بیانگر آن است که در این باره دانشجویان مورد مطالعه کمترین توافق را دارند. بر این اساس، می‌توان اظهار کرد دانشجویان کشاورزی و منابع طبیعی به فعالیت‌های کارآفرینی علاقه دارند، اما از نظر دانش فنی با کمبود روبه‌رو هستند. جدول ۳ گویه‌های کوتاه‌شده مقوله تمایل به کارآفرینی را به ترتیب رتبه براساس ضریب تغییرات (C.V) نشان می‌دهد.

جدول ۳. وضعیت تمایل به کارآفرینی دانشجویان مورد مطالعه

گروه	رتبه	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات	گویه
-	-	۳/۵۶	۱/۱۴	-	میزان تمایل به کارآفرینی
۰/۲۰۷	۱	۴/۳۹	۰/۸۹		شروع یک کسب و کار در صورت وجود فرصت و منابع
۰/۲۶۰	۲	۳/۹۲	۱/۰۲		توانایی راه‌اندازی یک کسب و کار
۰/۲۶۱	۳	۳/۸۶	۱/۰۱		جذابیت حرفه کارآفرینی
۰/۲۷۶	۴	۳/۷۲	۱/۰۳		انجام‌دادن هر کاری برای کارآفرین شدن
۰/۲۸۰	۵	۳/۵۶	۱/۰۰		توانایی کنترل‌کردن فرایند خلق یک کسب و کار
۰/۲۸۲	۶	۳/۶۱	۱/۰۲		تأیید دوستان در صورت آغاز کسب و کاری جدید
۰/۲۸۳	۷	۳/۹۲	۱/۱۱		شانس زیاد در موفقیت برای راه‌اندازی یک کسب و کار در صورت تلاش کافی
۰/۲۸۴	۸	۳/۸۸	۱/۱۰		مصمم‌بودن برای ایجاد کسب و کاری در آینده نزدیک
۰/۲۸۶	۹	۳/۸۴	۱/۱۰		احساس رضایت‌بخش از کارآفرین‌بودن
۰/۳۰۷	۱۰	۳/۷۴	۱/۱۵		تمایل به راه‌اندازی یک کسب و کار
۰/۳۰۹	۱۱	۳/۳۳	۱/۰۳		نداشتن شک و تردید در راه‌اندازی یک کسب و کار
۰/۳۱۰	۱۲	۳/۶۲	۱/۱۲		بیشتربودن مزایای کارآفرینی نسبت به عیب‌های آن
۰/۳۲۳	۱۳	۳/۳۱	۱/۰۷		آسان‌بودن شروع و حفظ یک کسب و کار
۰/۳۲۷	۱۴	۳/۳۳	۱/۰۹		تأیید تصمیم فرد برای راه‌اندازی یک کسب و کار توسط همکلاسی‌ها
۰/۳۲۸	۱۵	۳/۴۷	۱/۱۴		تشویق برای راه‌اندازی کسب و کار توسط بستگان نزدیک
۰/۳۳۰	۱۶	۳/۵۴	۱/۱۷		کارآفرین شدن به‌عنوان یکی از اهداف نهایی
۰/۳۷۷	۱۷	۳/۱۰	۱/۱۷		آسان‌بودن ارائه ایده‌ای کاری
۰/۳۹۶	۱۸	۳/۷۱	۱/۱۰		تلاش فراوان برای راه‌اندازی یک کسب و کار
۰/۴۱۳	۱۹	۲/۹۰	۱/۲۰		آگاهی از همه جزئیات فنی راه‌اندازی یک کسب و کار
۰/۴۹۵	۲۰	۲/۴۶	۱/۲۲		حاضرنبودن برای انجام‌دادن هر کاری به غیر از کارآفرینی

مقیاس: کاملاً مخالفم = ۱، کاملاً موافقم = ۵

برای بررسی دقیق‌تر تمایل دانشجویان مورد مطالعه به کارآفرینی، نمره گویه‌های مربوط جمع زده شد و با استفاده از معیار انحراف از میانگین (ISDM) افراد در سه دسته طبقه‌بندی

شدند. نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد بیشتر دانشجویان مورد مطالعه (۳۶/۲ درصد) تمایل نسبتاً مطلوبی به کارآفرینی دارند.

جدول ۴. توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب تمایل به کارآفرینی

درصد تجمعی	درصد فراوانی	فراوانی	سطوح متغیر
۳۳/۳	۳۳/۳	۷۰	نامطلوب (کمتر از ۶۵/۸۵)
۶۹/۵	۳۶/۲	۷۶	نسبتاً مطلوب (۶۵/۸۵ - ۷۶/۵۷)
۱۰۰	۳۰/۵	۶۴	مطلوب (بیشتر از ۷۶/۵۷)
	۱۰۰	۲۱۰	مجموع

جدول ۵ نشان می‌دهد سبک‌های حل مسئله درماندگی و مهارگری رابطه معکوس و سبک‌های حل مسئله خلاقیت، اعتماد و گرایش رابطه مستقیم با تمایل به کارآفرینی دارند. به طور کلی، سبک‌های حل مسئله هیجان‌مدار (غیرسازنده) رابطه معنی‌دار منفی و سبک‌های حل مسئله مسئله‌مدار (سازنده) رابطه معنی‌دار مثبت با تمایل به کارآفرینی دارند (جدول ۵)؛ بنابراین، می‌توان استنباط کرد استفاده بیشتر از سبک‌های حل مسئله هیجان‌مدار به دلیل سازنده بودن آن موجب کاهش میزان تمایل به کارآفرینی دانشجویان می‌شود.

جدول ۵. همبستگی متغیرهای تحقیق و تمایل به کارآفرینی دانشجویان

متغیر	R	سطح معنی‌داری
سبک درماندگی	-۰/۳۵**	۰/۰۰
سبک مهارگری	-۰/۲۴**	۰/۰۰
سبک خلاقیت	۰/۵۱**	۰/۰۰
سبک اعتماد	۰/۳۸**	۰/۰۰
سبک اجتناب	۰/۰۵	۰/۴۹
سبک گرایش	۰/۴۳**	۰/۰۰
سبک هیجان‌مدار	-۰/۲۷**	۰/۰۰
سبک مسئله‌مدار	۰/۵۷**	۰/۰۰

** معنی‌داری در سطح ۰/۰۱ درصد

در این تحقیق، از رگرسیون چندگانه به روش گام‌به‌گام برای بررسی تأثیر سبک‌های حل مسئله بر متغیر وابسته میزان تمایل به کارآفرینی دانشجویان استفاده شد. براساس مقادیر بتا، سبک‌های حل مسئله اخلاقی و اعتماد به ترتیب بیشترین تأثیر را بر متغیر تمایل به کارآفرینی دارند و به ازای یک انحراف معیار تغییر در این متغیرها، به ترتیب ۰/۲۸ و ۰/۲۲ انحراف معیار تغییر در متغیر وابسته را شاهدیم.

سبک‌های حل مسئله گرایش و درماندگی نیز می‌توانند تغییرات مربوط به میزان تمایل به کارآفرینی دانشجویان را پیش‌بینی کنند؛ به این صورت که افزایش استفاده از سبک حل مسئله گرایش و کاهش استفاده از سبک حل مسئله درماندگی موجب افزایش میزان تمایل به کارآفرینی در دانشجویان می‌شود.

براساس میزان R^2 تعدیل‌شده، متغیرهای مورد بحث در مجموع می‌توانند ۳۳ درصد از تغییرات را در متغیر وابسته پیش‌بینی کنند. با توجه به مدل رگرسیون چندمتغیره، با معادله زیر می‌توان میزان تمایل دانشجویان را به کارآفرینی تخمین زد:

(۲)

$$Y \text{ (درماندگی)} = ۱/۲۳ - (\text{گرایش}) ۱/۸۴ + (\text{اعتماد}) ۲/۰۴ + (\text{اخلاقی}) ۲/۷۵ + ۳۲/۳۴ = \text{تمایل به کارآفرینی (Y)}$$

جدول ۶. خلاصه اطلاعات تحلیل رگرسیونی به روش گام‌به‌گام برای متغیر وابسته تمایل به کارآفرینی دانشجویان

متغیر	ضریب غیراستاندارد (B)	خطای استاندارد	ضریب استاندارد (β)	مقدار T	سطح معنی‌داری
اخلاقی	۲/۷۵	۰/۶۸	۰/۲۸	۴/۰۶	۰/۰۰
اعتماد	۲/۰۴	۰/۵۷	۰/۲۲	۳/۵۷	۰/۰۰
گرایش	۱/۸۴	۰/۷	۰/۱۸	۲/۶۳	۰/۰۰
درماندگی	-۱/۲۳	۰/۵۲	-۰/۱۵	-۲/۳۵	۰/۰۲

Multiple R= ۰/۵۹, $R^2= ۰/۳۴$, $R^2 \text{ Adjust}= ۰/۳۳$, Constant= ۳۲/۳۴, F=۲۷/۰۴, Sig. F=۰/۰۰۰

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به نقش اساسی تمایل به کارآفرینی در بروز رفتار کارآفرینی، شناسایی عوامل مرتبط با آن اهمیت زیادی دارد. براین اساس، تحقیق حاضر با هدف بررسی رابطه سبک‌های حل مسئله و تمایل به کارآفرینی دانشجویان انجام گرفت.

یافته‌های این مطالعه نشان داد در مجموع ۳۶/۲ درصد دانشجویان مورد مطالعه، تمایل نسبتاً مطلوب و ۳۰/۵ درصد نیز تمایل مطلوبی به کارآفرینی دارند. نتایج مطالعه بارانی و همکاران (۱۳۹۱) نیز که در زمینه دانشجویان کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی ایلام صورت گرفت، این نتیجه را تأیید می‌کند. براین اساس، برای بروز رفتار کارآفرینی، تمایل به کارآفرینی و فرصت انجام دادن کارآفرینی کفایت می‌کند (van Praag, 2005: 37)؛ بنابراین، تلاش سیاستگذاران و مسئولان امر برای ایجاد فرصت‌های کارآفرینی ممکن است کمک شایانی به ایجاد رفتار کارآفرینی در فارغ‌التحصیلان کشاورزی و منابع طبیعی کند.

یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که دو سبک حل مسئله غیر سازنده (درماندگی و مهارگری) رابطه معکوس معنی‌دار با تمایل به کارآفرینی دانشجویان دارند؛ یعنی کسانی که هنگام مواجهه با مسائل و مشکلات پیچیده احساس تنهایی و بی‌یاوری می‌کنند و به توان خود برای کنترل مشکلات اعتقادی ندارند، تمایل کمتری به کارآفرینی نشان می‌دهند. به نظر می‌رسد این افراد تمایل دارند برای دوری از پیچیدگی‌های زیاد فعالیت‌های کارآفرینانه، خود را وارد چنین فعالیت‌هایی نکنند. علت این امر نیز آن است که استفاده بیشتر از این سبک‌ها موجب کاهش کارآمدی فرد می‌شود و کاهش کارآمدی به ایجاد استرس و اضطراب در موقعیت‌های مسئله‌زا منجر می‌شود و فرد برای گریز از آن تمایلی به کارآفرینی نشان نمی‌دهد. در تأیید این مطلب، عزیزی (۱۳۸۲) بیان می‌کند اعتماد فرد به خود در کنترل مشکلات پیش رو، رابطه مستقیمی با کارآفرینی دارد و از این جهت است که ادبیات تحقیق تأکید دارد توان کنترل درونی، از قابلیت‌های یک کارآفرین است.

نتایج نشان داد سبک‌های حل مسئله سازنده (خلاقیت، اعتماد، گرایش) رابطه مستقیمی با تمایل به کارآفرینی افراد دارد، به طوری که دانشجویان هنگام مواجهه با مسائل و مشکلات از سبک حل مسئله خلاقانه استفاده می‌کنند؛ یعنی برای حل مسائل پیش رو، برنامه‌ریزی می‌کنند و راه‌حل‌های متنوعی را برای حل آن جست‌وجو می‌کنند و تمایل بالاتری به کارآفرینی دارند. همچنین، افرادی که هنگام رویارویی با مشکلات به توانایی خود برای حل آن‌ها اعتماد دارند، تمایل بالاتری به کارآفرینی دارند. به این صورت، دانشجویانی که نگرش مثبتی به مشکلات دارند و تمایل دارند با مسائل و مشکلات مقابله کنند و نمی‌خواهند آن‌ها را نادیده بگیرند و از

کنار آن‌ها رد شوند، تمایل بالاتری به کارآفرینی دارند. با توجه به اینکه سبک‌های مذکور سازنده‌اند، موجب افزایش کارایی فرد می‌شوند و افزایش کارایی، شناسایی و ایجاد فرصت‌های کسب و کار را تسهیل می‌کند و این امر میل فرد را به کارآفرینی تشدید می‌کند. در مجموع، نتایج نشان داد سبک‌های حل مسئله هیجان‌مدار (غیرسازنده) دارای رابطه معنی‌دار منفی و سبک‌های حل مسئله مسئله‌مدار (سازنده) دارای رابطه معنی‌دار مثبت با تمایل به کارآفرینی هستند؛ یعنی استفاده از سبک‌های حل مسئله مسئله‌مدار و سازنده تمایل افراد را به کارآفرینی افزایش می‌دهد و برعکس.

نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد سبک‌های حل مسئله خلاقیت و اعتماد به ترتیب بیشترین تأثیر را بر متغیر تمایل به کارآفرینی دارند. همچنین، تحلیل رگرسیون روشن کرد در مجموع چهار سبک حل مسئله خلاقیت، اعتماد، گرایش و درماندگی ۳۳ درصد از میزان تمایل به کارآفرینی دانشجویان را پیش‌بینی می‌کند. براین اساس، با توجه به قدرت پیش‌بینی‌کنندگی سبک‌های حل مسئله در پیش‌بینی تمایل به کارآفرینی دانشجویان و با توجه به اینکه سبک‌های حل مسئله به‌طور عمومی متغیرهایی فردی و محیطی هستند نه صفتی، می‌توان این‌گونه اظهار نظر کرد که با آموزش شیوه‌های حل مسئله امکان افزایش تمایل به کارآفرینی دانشجویان کشاورزی و منابع طبیعی وجود دارد.

به‌طور خلاصه، می‌توان گفت پیچیدگی و گاهی غیرمترقبه بودن مسائل و مشکلاتی که دانشجویان و فارغ‌التحصیلان رشته‌های کشاورزی و منابع طبیعی برای فعالیت به‌صورت کارآفرینی با آن‌ها مواجه‌اند، موجب می‌شود آن‌ها دورنمایی پرخطر و استرس‌زا از فعالیت‌های کارآفرینانه تصور کنند. براین اساس، اگر افراد سبک‌های حل مسئله کارآمد نداشته باشند، تمایل به این‌گونه فعالیت‌ها ندارند، زیرا سبک‌های حل مسئله در کارایی فرد در موقعیت‌های بحرانی اهمیت بسیاری دارد (Cassidy, 2002: 325).

پیشنهادها

- با توجه به تأثیر سبک‌های حل مسئله بر تمایل به کارآفرینی دانشجویان و با توجه به اکتسابی بودن و امکان تغییر سبک‌های حل مسئله، پیشنهاد می‌شود استادان و مربیان آموزشی

تلاش کنند دانشجویان را از استفاده زیاد از سبک‌های حل مسئله هیجان‌مدار و غیرسازنده بر حذر دارند که موجب کاهش کارآمدی دانشجویان و درنهایت کاهش تمایل به کارآفرینی در دانشجویان می‌شود.

- حل مسائل و مشکلات پیش روی فعالیت‌های کارآفرینی به دلیل پیچیدگی و چندبعدی بودن نیازمند راه‌حل‌های خلاقانه است؛ بنابراین، پرورش و جهت‌دهی دانشجویان در استفاده از سبک‌های حل مسئله خلاقانه و سازنده اهمیت بسزایی در بهبود تمایل به کارآفرینی دارد. براین اساس، پیشنهاد می‌شود مراکز آموزشی ضمن معرفی این سبک‌ها به دانشجویان، برای ترویج استفاده از این سبک‌ها تلاش بیشتری کنند.

منابع

- اکبری، م. شکیبیا، ح و زهتابی، م (۱۳۹۱). رابطه‌ی باورهای مذهبی و تمایل به کارآفرینی (مطالعه‌ی موردی: دانشجویان دانشکده‌های کارآفرینی و کشاورزی). فصلنامه‌ی توسعه کارآفرینی، سال پنجم، جلد چهارم، صص ۸۷-۱۰۵.
- آقایوسفی، ع و شریف، ن. (۱۳۹۰). رابطه سبک‌های حل مسئله و بهزیستی شخصی در دانشجویان. فصلنامه‌ی اندیشه و رفتار. دوره ۶، شماره ۲۲. صص ۷۹-۸۸.
- باباپور خیرالدین، ج. رسول‌زاده طباطبایی، س. اژه‌ای، ج و فتحی آشتیانی، ع. (۱۳۸۲). بررسی رابطه‌ی بین شیوه‌های حل مساله و سلامت روان‌شناختی دانشجویان، مجله روانشناسی، سال هفتم، شماره یک، صص ۳-۱۶.
- بادسار، م. رضایی، ر و صلاحی مقدم، ن. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر هوش عاطفی بر شایستگی‌های کارآفرینانه دانشجویان رشته‌های کشاورزی (مورد مطالعه: دانشگاه زنجان)، فصلنامه‌ی توسعه کارآفرینی، دوره هفتم، شماره سوم، صص ۴۰۷-۴۲۵.
- بارانی، ش. حسینی لرگانی، س. زرافشانی، ک و پور سعید، ع (۱۳۹۱) تحلیل تأثیر فضای کارآفرینی بر تمایل کارآفرینی دانشجویان کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی ایلام، فصلنامه‌ی پژوهش در نظام‌های آموزشی، سال ششم، شماره نوزده، صص ۱۶۷-۱۹۴.
- پارسا، ع. عبدالوهابی، م و ظریف، س. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر شیوه‌های حل مساله بر شخصیت کارآفرینانه - مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز. فصلنامه‌ی توسعه کارآفرینی، ۴(۱)، صص ۱۴۵-۱۶۴.
- تعویقی، م. کاکاوند، ع و حکمی، م (۱۳۹۳) اثربخشی آموزش گروهی مهارت حل مساله بر افزایش تحمل ابهام در نوجوانان، مجله علوم رفتاری، دوره ۷، شماره ۴، صص ۳۶۳-۳۷۱.
- حسین‌زاده، د و وثوقی، ب (۱۳۹۱). ارتباط میان روش حل مساله شهودی با رفتار نوآورانه و کارآفرینی سازمانی (مطالعه موردی: شرکت رانیران)، چهارمین کنفرانس ملی مهندسی و مدیریت نوآوری، ۷ و ۸ خرداد ۹۱، صص ۹۲-۱۱۴.
- زارعان، م. اسداله‌پور، ا و بخشی‌پور رودسری، ع. (۱۳۸۶). رابطه هوش هیجانی و سبک‌های حل مساله با سلامت عمومی. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، سال سیزدهم، شماره ۲، صص ۱۶۶-۱۷۲.
- شریف‌زاده، م و زمانی، غ. (۱۳۸۵). روحیه کارآفرینی در دانشجویان کشاورزی؛ مطالعه موردی دانشگاه شیراز، مجله علوم کشاورزی ایران، جلد ۲-۳۷، شماره ۱، صص ۱۱۶-۱۰۷.

- شکرکن، ح. برومند نسب، م و نجاریان، ب (۱۳۸۱). بررسی رابطه ساده و چندگانه خلاقیت، انگیزه پیشرفت و عزت نفس با کارآفرینی در دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز، فصلنامه علوم تربیتی و روانشناسی، شماره ۳، صص ۴۲-۵۴
- عدالتی شاطری، ز. اشکانی، ن و مدرس غروی، م. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین نگرانی مرضی، شیوه‌های حل مسأله و افکار خودکشی در نمونه غیر بالینی، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان، دوره چهاردهم، صص ۹۲-۱۰۰.
- عزیزی، م. (۱۳۸۲). بررسی و مقایسه زمینه‌های بروز پرورش کارآفرینی در دانشجویان شهید بهشتی، طرح تحقیقاتی، دانشگاه شهید بهشتی.
- علی‌پور، ح (۱۳۹۱). بررسی میزان گرایش و روحیه کارآفرینی دانشجویان رشته کشاورزی شهرستان شیراز، فصل‌نامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی؛ شماره ۲۳، صص ۳۳-۴۶.
- قاسمی، ج. اسدی، علی و حسینی نیا، غ (۱۳۸۸). بررسی عوامل تأثیرگذار در ایجاد روحیه کارآفرینی دانشجویان تحصیلات تکمیلی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران. فصلنامه تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، دوره ۲-۴۰، شماره ۲، صص ۷۱-۷۹.
- مردانشاهی، م. تاجیک اسماعیلی، ع و مبارکی، م. (۱۳۹۳). بررسی استعداد کارآفرینی در دانشجویان ورودی و خروجی دانشگاه‌های دولتی (مورد مطالعه: دانشگاه های دولتی مازندران)، فصلنامه‌ی توسعه کارآفرینی، دوره ۷، شماره ۴، صص ۷۵۵-۷۷۱.
- یداللهی، ج. (۱۳۸۴). نقش جدید دانشگاه‌ها: توسعه قابلیت‌های کارآفرینی. مجموعه مقالات دومین همایش اشتغال و نظام آموزش عالی کشور، تهران، ۲۷ و ۲۸ اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۴، صص ۹۲-۱۱۴.
- Baker, S. R. (2003). A prospective longitudinal investigation of social problem-solving appraisals on adjustment to university, stress, health, and academic motivation and performance. *Personality and Individual Differences*, 35(3), pp. 569-591.
- Baum, J. R., Frese, M. and Baron, R. A. (2007). *The Psychology of Entrepreneurship*: Taylor & Francis Publications.
- Berglund, H. and Wennberg, K. (2006). Creativity among entrepreneurship students: comparing engineering and business education. *International Journal of Continuing Engineering Education and Life Long Learning*, 16(5), 366-379.
- Cassidy, T. (2002). Problem-solving style, achievement motivation, psychological distress and response to a simulated emergency. *Counselling Psychology Quarterly*, 15(4), pp. 325-332.
- Cassidy, T. (2009). Bullying and victimisation in school children: the role of

- social identity, problem-solving style, and family and school context. *Social Psychology of Education*, 12(1), pp. 63-76.
- Cassidy, T. and Dhillon, R. (1997). Type a behaviour, problem-solving style and health in male and female managers. *British Journal of Health Psychology*, 2(3), pp. 217-227.
- Cassidy, T. and Long, C. (1996). Problem-solving style, stress and psychological illness: Development of a multifactorial measure. *British Journal of Clinical Psychology*, 35, pp. 265-277.
- Cassidy, T. and Taylor, L. (2005). Coping and Psychological Distress as a Function of the Bully Victim Dichotomy in Older Children. *Social Psychology of Education*, 8(3), pp. 249-262.
- Gangadharappa, V, Pramod, T. and Shiva, H. (2007) Gastric floating drug delivery systems: A review. *Indian J Pharm Ed Res*; 41(4), pp. 295-305.
- Ghanbari-e-Hashem-Abadi, B. A., Bolghan-Abadi, M., Vafaei-e-Jahan, Z., Maddah-Shoorcheh, R. and Maddah-Shoorcheh, E. (2011). Comparison of the Effectiveness of the Transactional Analysis, Existential, Cognitive, and Integrated Group Therapies on Improving Problem-Solving Skills. *Psychology*, 2(4), pp. 307-311.
- Gholami, S. and Bagheri, M. S. (2013). Relationship between VAK learning styles and problem solving styles regarding gender and students' fields of study. *Journal of Language Teaching and Research*, 4(4), pp.700-706.
- Greene, C. (2008). *Entrepreneurship: Ideas in Action*: Cengage Learning.
- Gregory, P. (2010). *The Psychology of Chronic Fatigue Syndrome*: Hallmark Press.
- Isaksen, S. G. and Aerts, W. S. (2011). Linking problem-solving style and creative organizational climate: An exploratory interactionist study. *IJCPs-International Journal of Creativity and Problem Solving*, 21(2), pp. 7-38.
- Kickul, J., Gundry, L. K., Barbosa, S. D. and Simms, S. (2010). One style does not fit all: the role of cognitive style in entrepreneurship education. *International Journal of Entrepreneurship and Small Business*, 9(1), pp. 36-57.
- Kuratko, D. (2010). Corporate Entrepreneurship: An Introduction and Research Review. In Z. J. ACS & D. B. Audretsch (Eds.), *Handbook of Entrepreneurship Research* (5, pp. 129-163): Springer New York.
- Landström, H. and Lohrke, F. (2010). *Historical Foundations of Entrepreneurial Research*: Edward Elgar.
- Moriano, J.A.L. and Gorgievski, M. (2007). *Psychology of entrepreneurship: Research and reduction*. UNED, Inc., Spain.

- Oviawe, J. I. (2010). Repositioning Nigerian youths for economic empowerment through entrepreneurship education. *European Journal of Educational Studies*, 2(2), pp. 113-118.
- Samli, A. C. (2008). *Globalization from the Bottom up: A Blueprint for Modern Capitalism*: Springer.
- Torr, G. (2011). *Managing Creative People: Lessons in Leadership for the Ideas Economy*: Wiley.
- Treffinger, D. J., Selby, E. C. and Isaksen, S. G. (2008). Understanding individual problem-solving style: A key to learning and applying creative problem solving. *Learning and Individual Differences*, 18(4), pp. 390-401.
- van Praag, M. (2005). *Successful Entrepreneurship: Confronting Economic Theory with Empirical Practice*: Edward Elgar Publishing Incorporated.
- Waight, P. I. (2006). *Attachment, Anxiety and the Entrepreneurial Mind: The Relationship between Adult Attachment Style and Entrepreneurship*. (PhD), Griffith University.
- Wright, L., Borrill, J., Teers, R. and Cassidy, T. (2006). The mental health consequences of dealing with self-inflicted death in custody. *Counselling Psychology Quarterly*, 19(2), pp. 165-180.